

## یک اتفاق ساده

## گل به خودی‌های آقای سخنگوی ارشاد



## کیوان کثیریان

● حسین نوش‌آبادی به گمانم پدیده دولت یازدهم در بخش فرهنگ است. او که حالا سخنگوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است، پیش از این در دولت دهم سفیر ایران در عمان بود و کارشناس‌ارشد وزارتی در حوزه خاورمیانه و عربی. نوش‌آبادی ۵۳ساله است، حقوق بین‌الملل خوانده و دو دوره نیز نماینده ورامین و مجلس ششم و هفتم بوده است. او ضمناً بنیان‌گذار حزب نواندیشان است.

نوش‌آبادی هر هفته یا هر ماه مقابل خبرنگاران می‌نشیند و به سؤالات آنان پاسخ می‌دهد. فارغ از اینکه نسبت او با حوزه فرهنگ، خیلی شفاف و مشخص نیست، موضع‌گیری‌ها و شیوه پاسخ‌گویی او به اتهامات و سؤالات مهم روز در حوزه فرهنگ، گاه شگفت‌آور است. موارد کم‌شماری نبوده که معاونان وزیر یا مدیران کل نسبت به اظهارات نوش‌آبادی واکنش نشان داده و اظهار تعجب یا کلابه کرده‌اند.

سخنان نوش‌آبادی در بسیاری موارد، کارشناسانه به نظر نمی‌رسد و حتی گاه تا حد زیادی با سیاست‌های کلی که در حوزه فرهنگ دولت یازدهم سراغ داریم زاویه دارد. سخنان نوش‌آبادی گاه بیشتر نظر و سلیقه شخصی او به نظر می‌رسد تا موضع رسمی ارشاد. ادبیات نوش‌آبادی گهگاه شنونده را یباد دولت نهم و دهم می‌اندازد!

به چند نمونه اخیر توجه کنید:

«ما سه فیلم به جشنواره کن فرستادیم و دو جایزه گرفتیم».

ما؟ این را دیگر همه می‌دانند که دولت‌ها چیزی برای کن نمی‌فرستد و تازه تهیه‌کنندگان ما امسال ده‌ها فیلم برای این جشنواره ارسال کردند نه سه‌تا.

«برای جمهوری اسلامی ایران زینده نیست که فیلم‌هایش از طریق کشورها و شرکت‌های غیرایرانی در جشنواره‌های خارجی عرضه شوند و موجب تحقیر ما در سطح بین‌الملل شود».

این یکی دیگر توضیحی ندارد جز آنکه بر بی‌اطلاعی‌گوینده و دور بودن از حوزه سینما دلالت می‌کند.

«ملاحظاتی برای اکران فروشنده وجود دارد قطعاً رعایت می‌شود».

این اظهارنظر عجیب، واکنش دکتر ایوبی را هم برانگیخت و او رسماً اعلام کرد که «فروشنده» هیچ مشکلی برای اکران در ایران ندارد.

معلوم نیست آقای سخنگو بدون تماشای فیلم چگونه به این جمع‌بندی رسیده و تازه مگر وظیفه ایشان ممیزی فیلم‌هاست؟ این طوری سنگ روی سنگ بند می‌شود؟ باین حساب باید اداره کل نظارت و اصلاً سازمان سینمایی را تعطیل کرد!

نظرات عجیب و تند او درباره استاد شجریان بی‌شباهت به نظرات رسانه‌های منتقد دولت نبود:

«ویکردها و رفتارهای وی در دهه دوم انقلاب به‌بعد باعث شد از مردم و نظام فاصله بگیرد... حال نیز خودش باید جبران کند، حداقل‌ها را بپذیرد و با یک اقدام مثبت، با یک رویکرد و تعهد جدید جبران کند».

یا مواضعی که درباره «رستاخیز» و «عصبانی نیستم» ابراز کرد بیش از آنکه راهگشا باشد، گره‌ها را کورت کرد. حرف‌هایی که درباره بیمه هنرمندان زد و لحن و ادبیاتش هم موجب دلخوری خیلی از هنرمندان شد:

«این طور نیست که هرکس که خودش را هنرمند بخواند بیمه به او تعلق بگیرد...».

معلوم نیست چه کارکردی برای سخنگوی وزارت ارشاد طراحی شده. قرار بوده واقعاً سخنگو باشد و فعالیت‌های ارشاد و زیرمجموعه‌هایش را اعلام کند؟ قرار بوده در نقش سویاپ اطمینان عمل کند؟ قهرار بوده برای آراش دلواپسان حرف‌های آنها را از تریبون رسمی برزد؟ هدف، هرکدام از اینها که باشد شکست خورده و محقق نشده است. به نظر می‌رسد انتخاب نوش‌آبادی، به‌عنوان سخنگو و رودرورکردن مکرر وی با خبرنگاران بیش از آنکه مسائل حوزه فرهنگ را در عرصه رسانه ساده کند، بر مشکلات فراوان آن افزوده است. بعینه دیده‌ام که هنرمندان دست‌به‌دعا شده‌اند آقای نوش‌آبادی درباره حوزه آنان صحبتی نکند و بر مشکلات آنان نیفزاید.

خوشبختانه وزارت ارشاد معاونان نطق و مسلطی دارد که هریک پیش از نوش‌آبادی حوزه خود را می‌شناسند و می‌توانند مسائل حوزه خود را با منطق و آراش شریح و تبیین کنند. اساساً برای وزارت پرحاشیه ارشاد به اندازه کافی بحران و حاشیه می‌سازند و این وزارتخانه نیازی به گل‌به‌خودی‌ها و حاشیه‌سازی‌های سخنگویش ندارد. واقعیتش اصلاً نیازی به سخنگو ندارد. عملکرد و سخنان آقای نوش‌آبادی، این را اثبات کرده است.

## مطرح شدن هنرهای تجسمی، سالی یک بار

دنیا، می‌تواند نمونه‌هایی متوسط و نه‌چندان مهم را در خود جای دهد. به همین خاطر است که در هر حراج معتبری اصل بر ماندگاری یک هنرمند در آن حراج نیست و هنرمندها می‌آیند و می‌روند. توصیه می‌کنم به این حراج و به حراج‌های دیگر همین‌جا باید به برگزارکنندگان این حراج تبریک درعین‌حال قیمت‌های بسیار بالا نشان‌دهنده کیفیت قطعی آثار هنرمندانش نیستند. این حراج در سال‌های گذشته فرازونشیب‌های خودش را داشته است و مانند هر حراج دیگری در هر جای

گرداندگان‌ش شکل می‌گیرد و درعین‌حال آثار مهمی که به حراج ارائه می‌شود هربار می‌تواند کیفیت‌های متفاوتی داشته باشد. اما این حراج هم مانند هر حراج دیگری یک امر خصوصی است که نه قرار است آنچه تمام‌نمای هنر گذشته و حال ایران باشد و نه تعیین‌کننده حد قیمت آثار به‌فروش‌رسیده هنرمندان آن. این قیمت‌ها بر اساس سلیقه و رقابت بالا و پایین می‌رود و ایران آشکار است و با مداومتی که دارد می‌تواند تبدیل به یک بستر زمینه‌ساز برای آتماشای آثار مهم و تعیین سقف قیمت هنرمندان معاصران باشد. اما طبیعتاً بنیان آن بر اساس سلیقه



## آیدین آغداشلو

نقاش و منتقد هنر

حراج تهران، حراج موفقی بود. در حد بالایی فروش داشت. در میان مجموعه کارهایی که عرضه کرد، کارهای خوب، بسیار بودند. کار درستی که صورت گرفت، جداکردن دو حراج «هنر مدرن» و «هنر معاصر» بود. حراج تهران واقعه مهمی است و تأثیر آن در بازار هنر معاصر ایران آشکار است و با مداومتی که دارد می‌تواند تبدیل به یک بستر زمینه‌ساز برای آتماشای آثار مهم و تعیین سقف قیمت هنرمندان معاصران باشد. اما طبیعتاً بنیان آن بر اساس سلیقه

## پنجمین حراج تهران ۲۵ میلیارد تومان فروخت

## سهراب سپهری باز هم رکورد خود را شکست

## سحر آزاد



عرضه‌شده در این حراج من هم مانند هر آدمی، سلیقه شخصی خود را داشته‌ام و دارم. تماشای نقاشی‌های زیبای منوچهر یکتایی، ناصر عصار، ژاژه تباتبایی، حسین کاظمی، پروانه اعتمادی، سیراک ملکونیان، بهمن محمصص، لیلی متین‌دفتری، محمد احصابی، سهراب سپهری و بسیاری دیگر جذاب بود. حراج‌ها را باید همان‌قدر جدی گرفت که در هر جای دنیا هستند؛ آنچه تمام‌نمای بدون نقص هنر یک روزگار نیستند. هرچند که نمونه‌های درخشان را در میان آنها می‌توان یافت. حراج تهران، راه طولانی و پیچاپیچی را در پیش گرفته است و اگر گردانندگان آن گمان کنند که با فروش هرچه‌بیشتر و هرسال بیشتر می‌توانند رضایت خود از رساتشان را به دست آورند و آن را کافی بدانند، بخش عمده‌ای را از نظر دور داشته‌اند.

خورد. نقاشی «طبیعت بی‌جان» بهمن محمصص که در سال ۱۳۴۷ خلق شده ۸۵۰ میلیون تومان و نیز اثری از منصور قدریز، از بنیان‌گذاران سبک سقاخانه که در سال ۱۳۴۳ خلق شده، ۸۵۰ میلیون تومان به فروش رسیدند. تابلوی «من و پرواز» اثر جلیل ضیابور از پیشگامان مدرنیست ایرانی، ۷۲۰ میلیون تومان، اثر بدون عنوانی از منوچهر یکتایی ۷۰۰ میلیون تومان، اثر بدون عنوانی از حسین زنده‌رودی ۶۵۰ میلیون تومان، نقاشی از حسین کاظمی ۵۵۰ میلیون تومان و نقاشی دوقطعه‌ای از خاطرات انهدام، سال صفر سال یک، ۵۰۰ میلیون تومان چکش خوردند. نقاشی شکار حیوانات علی‌اکبر صادقی، نقاشی انتزاعی از فریده

لاشایی و نیز کاری از مسعود عربشاهی، هر سه روی عدد ۴۵۰ چکش خوردند. مجسمه‌ای از پرویز تاتولی از سری دیوار ۴۰۰ میلیون تومان و اثری از مهدی وشکیایی که پرتزه یک زن است ۲۲۰ میلیون تومان به فروش رسیدند. اثری از ابوالقاسم سعیدی ۳۰۰ میلیون تومان، سه اثر از پرویز تاتولی، مسعود عربشاهی و ناصر عصار هر یک ۲۸۰ میلیون تومان، دو اثر از بهجت صدر به همراه اثری از کمال‌الملک هر یک ۲۶۰ میلیون تومان، سه اثر از جلیل رسولی، پروانه اعتمادی و حسین کاظمی هر یک ۲۲۰ میلیون تومان، سه اثر از جعفر پنگر، کوروش شیشه‌گران و نصرالله افجه‌ای هر یک ۲۲۰ میلیون تومان، سه اثر از ژاژه تباتبایی، ناصر عصار و سیراک ملکونیان هر یک ۲۰۰ میلیون تومان، دو اثر از غلامحسین نامی و ژاژه تباتبایی هر یک ۱۹۰ میلیون تومان، دو اثر از محسن وزیریمقدم و سیدمحمد احصابی هر یک ۱۸۰ میلیون تومان، نقاشیخط رضا مافی ۱۶۰ میلیون تومان، دو اثر از لیلی متین‌دفتری و مهدی وشکیایی هر یک ۱۴۰ میلیون تومان، اثری از حسین طاهرزاده و بهزاد تبریزی ۱۳۰ میلیون تومان، پنج اثر از سونیا بالاسانیان، هوشنگ پزشکیان، صداقت جباری، منیر شاه‌وردی فرمانفرمایان و هانیبال الخاص هر یک ۱۲۰ میلیون تومان، دو اثر بهمن دادخواه و عیسی بهادری ۱۱۰ میلیون تومان و دو اثر از ایران درودی و هوشنگ پزشکیان هر یک صد میلیون تومان چکش خوردند.

۲۵ اثر هم در پنجمین حراج تهران زیر یک‌صد میلیون تومان به فروش رسیدند: سه اثر از ناصر اویسی، کیخسرو خروش و علی‌محمد حیدریان هر یک ۹۵ میلیون تومان، نقاشی سیراک ملکونیان ۹۰ میلیون تومان، سه اثر از عبدالرضا دریایی، علی‌اکبر مزین‌الدوله و حسین ارزنگی هر یک ۸۵ میلیون تومان، دو اثر از حسین قوللرآقاسی و حسین محجوبی هر یک ۷۵ میلیون تومان، نقاشی‌ای از احمد اسفندیاری ۷۰ میلیون تومان، دو اثر از محمود جوادی‌پور و جواد حمیدی هر یک ۶۵ میلیون تومان، چهار اثر منوچهر نیاز، ابوالحسن صدیقی، علی‌اصغر پنگر و هادی هزاوه‌ای هر یک ۶۰ میلیون تومان، دو اثر از محمد مدبر و محسن سهیلی هر یک ۵۵ میلیون تومان، دو اثر از منصوره حسینی و میشا شهبازیان هر یک ۵۰ میلیون تومان، نقاشی علی رخساز ۴۴ میلیون تومان، نقاشی دیگری از احمد اسفندیاری ۴۲ میلیون تومان، نقاشی‌ای از جلال شباهنگی ۳۴ میلیون تومان، اثری از محمد ابراهیم جعفری ۳۲ میلیون تومان و نقاشی‌ای از حسینعلی ذابچی ۳۰ میلیون تومان. در این حراج که ۸۰ اثر از ۶۵ هنرمند ارائه شد، تنها یک اثر به فروش نرسید و علیرضا سمیع‌آذر مدیر حراج تهران، با ابراز خرسندی بسیار از نتایج به‌دست‌آمده، اعلام آمادگی کرد که در چند روز آینده در قالب یک کنفرانس خبری، پنجمین حراج تهران را با اصحاب رسانه به تحلیل و بررسی خواهد نشست.

مادی و معنوی آثار دارد. در این سال‌ها که حراج تهران درحال برگزارشدن است، احساس می‌شود در داخل کشور خریدار تابلوها بیشتر شده است و باید به جایی برسیم که به‌جای اینکه طلا و جواهر برای همدیگر هدیه ببریم آثار هنری هدیه ببریم. او سپس به پیشنهادی که به هیأت دولت ارائه کرده است، اشاره کرد: «به هیأت دولت پیشنهاد داده‌ام تا وقتی به خارج از کشور می‌روند و قرار است برای همتایان خود هدیه‌ای ببرند آثار هنری ایران را هدیه ببرند. من معتقدم هرکس تمکن مالی دارد بهترین هدیه‌ای که می‌تواند به کسی بدهد یک اثر هنری است. به‌تدریج باید تابلوهای هنری ما، غیر از اینکه معرف هنر ماست، ارزش مادی هم پیدا کند».

## یادی از پرویز کلانتری

در این دوره ۷۹ اثر در دو بخش مدرن و کلاسیک شامل نقاشی واقع‌گرا، نگارگری نوین و قهوه‌خانه‌ای ارائه و برخلاف دوره‌های پیشین آثار هنرمندان جوان و معاصرتر به حراج دیگری موکول شد. در دوره قبل ۱۲۶ تابلو فروش رفته بود و با آنکه تعداد آثار امسال در مقایسه با سال قبل کمتر بود اما مجموع فروش حراج بالاتر بود و در مجموع ۱۵ میلیارد و ۳۶۲ میلیون تومان حاصل این شب بود. شش اثر بالای یک میلیارد تومان فروخته شدند که چهار اثر آن به هنرمندانی تعلق داشت که در قید حیات هستند اما همچون دوره‌های قبل که آثار سهراب سپهری بالاترین قیمت را به خود اختصاص می‌داد، در این دوره هم دو تابلو از این شاعر و نقاش ارائه شد که گران‌ترین قیمت پای، تابلویی بدون عنوان از سپهری با کمینه دومیلیارد و بیشینه سه‌میلیارد تومان در ابعاد ۱۲۰ در ۱۸۰ سانتیمتر بود. سال گذشته نیز تابلوی سهراب سپهری با قیمت

## محمد احصابی، نقاش



برگزاری حراج بزرگ تهران به‌وضوح تأثیر مثبت و خوبی در حوزه تجسمی ما دارد و خواهد داشت. در دو سه روز برگزاری این نمایشگاه شاهد بودیم که افراد بسیار زیادی، به‌ویژه جوان‌ها و البته کسانی که خیلی درگیر این شاخه هنری نیستند، به دیدن آثار آمدند و با شکوه زیادی برگزار شد. در نتیجه برگزاری این حراج و البته پیش‌تر حراج امارات باعث شد تا تعداد گالری‌ها بیشتر، توجهات بسیاری به سمت آنها جلب و به‌نوعی رونق آنها بیشتر شود؛ اما مخرج مشترک همه این اتفاقات این است که توجه عموم مردم به مقوله هنر، به‌ویژه هنرهای تجسمی بیشتر جلب خواهد شد و تأثیر خوبی در کار هنرمندان این شاخه هنری خواهد داشت. خوشبختانه امسال هم آثار سهراب سپهری با استقبال خوبی مواجه شد. توجه‌کردن به آثار سهراب سپهری هم اتفاق جالبی است که هر سال شاهد آن هستیم. از نظر دلیل توجه‌کردن به آثارش باید گفت که شاعرانه‌بودن در آثار تجسمی او باعث جذب مخاطب می‌شود. این شاعرانگی در نقاشی‌ها و شعرهایش به خوبی حس می‌شود و در مجموع شخصیت دلپذیر او در آثار هنری‌اش هویدا است پس طبیعی است به هر اثر هنری‌ای از او که با عاطفه مردم سرو کار دارد اقبال و توجه شود. نیروی اصلی آثار سهراب سپهری عاطفه است و ایرانی‌ها هم بیشتر با این بخش سروکار دارند و از این‌نظر بیشتر درگیر آثار هنری می‌شوند در نتیجه توجه‌کردن به آثار سهراب سپهری خیلی دور از ذهن نیست. فروش بالای آثار او برای افرادی که علاقه‌مند به هنر هستند و مایل‌اند تا با پرداخت مبلغ زیادی آثار هنری‌ای را که به آنها علاقه دارند، داشته باشند، کم نیست و خوشحالم که به این حراج توجه شد.

## زیر آسمان فیروزهای

## لغو مجدد کنسرت شهرام ناظری

## با دستور دادستان نیشابور



● تهیه‌کننده کنسرت شهرام و حافظ ناظری در نیشابور مدعی شد که در پی تدارک برگزاری کنسرت در نوبتی دیگر، دادستان نیشابور تهدید

کرده که در صورت هرگونه اقدامی، با شهرام ناظری برخورد می‌کند. جواد فرجی دراین‌باره به ایستنا گفت: مجوز کنسرت نیشابور پس از حواشی مختلف در هفته‌های گذشته، بار دیگر برای تاریخ ۱۰ و ۱۱ خردادماه برای اجرا در این شهر اخذ شد و برای تأمین امنیت برنامه، جلساتی با فرمانداری و مسئولین انتظامی داشتیم و همکاری خوبی با ما شد و همه چیز درست و خوب پیش رفت. این دوستان به من اعلام کردند که جناب دادستان از مواضع سختشان کوتاه آمده‌اند و ان‌شاءالله این کنسرت برگزار خواهد شد. تهیه‌کننده کنسرت شهرام و حافظ ناظری در نیشابور در ادامه افزود: صبح روز بعد با همراهی رئیس اداره ارشاد نیشابور خدمت جناب دادستان رفتم و ایشان باز مخالفت خود را به شکل جدی اعلام کرد. من با اشاره به اخذ تمام مجوزهای قانونی و قولی که آقای فرماندار به استاد ناظری برای برگزاری این برنامه داده بودند، تأکید کردم که این برنامه همه مجوزها را دارد؛ ولی آقای دادستان خیلی واضح تهدید به برخورد با شخص شهرام ناظری در صورت برگزاری کنسرت کرد. وی ادامه داد: اصرار ما دراین‌باره بی‌نتیجه بود و تصمیم به لغو این کنسرت گرفتیم. مدیر برنامه‌های شهرام ناظری نیز در این گفت‌وگو لغو دوباره این کنسرت را در نیشابور، به‌دلیل دستور دادستان، تأیید کرد.

## برده نقره‌ای

## نمایش «مسافر» و

## «سفر یک مسافر» در خانه هنرمندان

● شرق: فیلم‌های «مسافر» اثر عباس کیارستمی و «سفر یک مسافر» ساخته عباس روزبهانی از سوی انجمن تهیه‌کنندگان سینمای مستند ایران روز سه‌شنبه، ۱۱ خرداد ساعت ۱۸ در تالار شهنار خانه هنرمندان ایران به نمایش درمی‌آیند. انجمن تهیه‌کنندگان سینمای مستند ایران، در سال ۱۳۷۹ همت گروهی از تهیه‌کنندگان مستقل فیلم مستند تشکیل و پس از چندی به عضویت خانه سینما درآمد. یکی از اهداف این انجمن بردن سینمای مستند به میان مردم با نمایش فیلم مستند در تالارهای عمومی شهر بود. هدف، رسیدن به یک وضعیت پایدار در اکران فیلم مستند در سینما و اقتصادی‌شدن تولید و عرضه فیلم مستند در ایران بود. انجمن در سال ۱۳ سالی که از نمایش بیوسه فیلم مستند در عرصه سه‌شنبه‌های هر هفته در خانه هنرمندان ایران و به صورت مقطعی در تالارهای دیگر شهر از جمله در سینما آزادی می‌گذرد، راه دشوار و پرفرازو فرودی را پیموده است. حاصل این ولی طریق و فرهنگ‌سازی، به‌ثمرنشتن کم و بیش و نسبی این تلاش‌ها، در قالب اکران هر چند محدود و ملی عمومی فیلم مستند به وسیله نهادهایی مثل «مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی» و «هنر و تجربه» در چند سالان سینما در تهران و برخی از شهرستان‌ها است. فیلم سینمایی «مسافر» عباس کیارستمی را همه دوستداران سینما می‌شناسند. این فیلم که به صورت سیاه‌وسفید در سال ۱۳۵۳ در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تهیه شده است، داستان سپرچه ۱۲ساله‌ای به نام حسن دارابی را بازگو می‌کند که با دشواری فراوان و بدون اجازه پدر و مادر به‌تنهایی از شهر ملایر به تهران می‌آید تا مسابقه فوتبال تیم محبوبش را در ورزشگاه امجدیه (شیرودی) از نزدیک تماشا کند. او بی‌آنکه به فکر بازگشتش باشد، همه دارایی‌اش را برای خرید بلیت از بازار سیاه می‌دهد و وارد ورزشگاه می‌شود. اما از فرط خستگی راه، خوابش می‌برد و تماشای فوتبال را از دست می‌دهد و زمانی بیدار می‌شود، استادبوم خالی از تماشاگر است. و حالا در فیلم مستند «سفر یک مسافر» تهیه شده در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی به کارگردانی عباس روزبهانی، حسن دارابی، بازیگر فیلم مسافر، که اینک ۵۲ساله است، پس از ۴۰ سال که از ساخته‌شدن فیلم مسافر می‌گذرد، یک بار دیگر با همان شوق پیشین به تهران می‌آید نه برای تماشای مسابقه فوتبال، بلکه دیدن عباس کیارستمی، کارگردان محبوبش. حسن دارابی این بار هم ناکام می‌ماند و با تمام تلاشی که می‌کند، نمی‌تواند عباس کیارستمی را ببیند و شبانه‌نامید و مغموم سوار بر اتوبوس می‌شود تا به ملایر بازگردد.

